



کدام اقدامات و سیاست‌های دولت روحانی
بحران جمعیت را در ایران تشدید کرده‌است؟

مردم دارند پیر می‌شوند!

صفحه ۴

با رشد افسار گسیخته قیمت، خرید مسکن
برای مردم تبدیل به رؤیای شده است
فکری به حال مستأجران کنید

مسکن

اورژانس

می خواهد

صفحه ۳



۳ بحران شتاب‌دهنده افول قدرت نرم آمریکا

چهار: «زورف نای» اندیشمند آمریکایی و مبدع نظریه «قدرت نرم» در مقاله خود با عنوان «آیا ما می‌توانیم دوباره قدرت نرم خود را به دست آوریم؟» معتقد است ارزش‌های جامعه دموکراتیک آمریکا و حق اعتراض مسالمت‌آمیز از بزرگ‌ترین منابع قدرت نرم آمریکاست. این در حالی است که در وقایع اخیر آمریکا، ترامپ دستور استفاده از نیروی نظامی را داد و با سخنران هدفمند خود دوقطبی میان سفیدپوست‌ها و سیاه‌پوست‌ها را تشدید کرد. در موارد زیادی به اعتراضات مسالمت‌آمیز رنگین‌پوستان این کشور حمله شد و چند نفر طی همین روزهای اعتراضات از سوی پلیس و سفیدپوستان افراطی به قتل رسیدند و کماکان ترامپ از برخورد سخت با این اعتراضات کناره‌گیری نکرده است.

تمام این رویدادها از چشم رسانه‌ها- به عنوان یکی از بازوهای مهم قدرت نرم هر کشور- پنهان نمانده و آنها که روزی ترامپ را فردی معرفی می‌کردند که تلاش دارد دولت در داخل کشور (مانند محافظت از مطبوعات سفیدپارها بازسازی کند، امروز اخبار حاصل از آن اندیشه را از کف خیابان‌های آمریکا به دنیا مخابره می‌کنند.

«سای» در مقاله مذکور، ضمن اینکه فرهنگ یک کشور، ارزش‌های سیاسی مانند دموکراسی و حقوق بشر و سیاست‌های آن را به عنوان منابع قدرت نرم یک کشور معرفی کرده، نوشته بود: چگونگی رفتارهای یک دولت در داخل کشور (مانند محافظت از مطبوعات آزاد و حق اعتراض، در نهادهای بین‌المللی (مشاوره با دیگران و چندجانبه‌گرایی) و در سیاست خارجی (ترویج سیاست و حقوق بشر) می‌تواند کشورهای دیگر را تحت تأثیر قرار دهد. با این تعریف از قدرت نرم، نام معتقد است ترامپ قیل از بحران‌های ماه‌های اخیر، در همه موارد بالا سیاست‌های جذاب آمریکا برای سایر کشورها را به شکلی معکوس نمایان کرد. آنچه این روزها مشاهده می‌شود این است که ایالات‌متحده در داخل و در سطح بین‌الملل به سمت اعمال زور و

اقدامات او طی ۴ ساله اخیر وارد شد. دونالد ترامپ سال ۲۰۱۶ با شعار «اول آمریکا» و ملی‌گرایی آمریکایی بر سر کار آمد و در همان دوره تبلیغات انتخاباتی خود توانست از نگرانی موجود میان سفیدپوست‌ها، بویژه جمهوری خواهان درباره یک اکثریت غیرسفیدپوست در آینده‌نچندان دور بهره برده و رأی آنها را به دست آورد. سپس از روی کار آمدن ترامپ نیز جهان با تحولات عجیبی از سوی کشوری که خود را رهبر جهان می‌دانست روبه‌رو شد. طی سال‌های گذشته رئیس‌جمهور آمریکا در حوزه سیاست خارجی به اعمال زور و خروج از نهادهای مبتنی بر قوانین لیبرال بین‌المللی پرداخت، از همکاری‌های چندجانبه کناره گرفت و رویکرد قهری و معامله‌گرانه را نسبت به سیاست خارجی این کشور اتخاذ کرد که این سیاست‌ها موجب شد تصویر بین‌المللی آمریکا به عنوان رهبر جهانی مخدوش شود.

سهمه این بار ایالات‌متحده با بحران‌های داخلی مواجه است که می‌تواند قدرت نرم این کشور را در عرصه بین‌الملل با چالش‌های جدی مواجه سازد؛ شدت یافتن خشونت با سلاح، دوقطبی حزبی، مراقبت‌های بهداشتی ناکافی، نابرابری درآمدی و از هم مهم‌تر نزادپرستی ساختاری و عدم تحقق حقوق اقلیت‌های نژادی در آمریکا، بحران‌هایی هستند که هر از گاهی اعتراضاتی را به همراه دارند. سرکوب این اعتراضات، موجب انباشت احساسات منفی مردم این کشور خواهد شد و آمریکا را مستعد اعتراضات و مخالفت‌های گسترده می‌سازد. طی ماه‌های اخیر آمریکا با مدیریت ناموفق اپدیدی و ویروس کرونا مواجه بوده و تاکنون بیش از ۱۲۵ هزار نفر از مردم این کشور به دلیل ابتلا به این ویروس جان باخته‌اند. در حوزه اقتصاد نیز کاهش اشتغال و تولید و تأثیر گسترده آن بر کل اقتصاد این کشور، ایالات‌متحده را وارد رکود شدید اقتصادی کرده است. با این حال قابل توجه‌ترین بحران اخیر برای دنیا اعتراضات گسترده در آمریکا و مهم‌تر از آن واکنش‌های قوی‌آهیز دونالد ترامپ به آنها بود.

مناطق می‌پرداخت. از این رو می‌توان گفت قدرت نرم آمریکا با مداخله‌گرایی این کشور گره خورده است و اساساً تضعیف قدرت نرم آمریکا از قدرت سخت و نظامی این کشور نیز خواهد کاست.

در دوران جنگ سرد نیز اقدامات نرم آمریکا و شوروی علیه یکدیگر ادامه داشت که در نهایت با وجود برتری نظامی و تسلیحاتی شوروی بر آمریکا، ایالات‌متحده توانست در عرصه جنگ نرم این کشور را از پا در آورد. پس از فروپاشی بلوک شرق هم مداخلات آمریکا در کشورهای به‌اصطلاح غیردموکراتیک و غیرلیبرال به بهانه ایجاد آزادی، دموکراسی و بسط حقوق بشر ادامه یافت و پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، برای منطقه غرب آسیا که اکنون بایده‌مسیر دموکراتیزه شدن را طی می‌کرد، طرح خاورمیانه بزرگ طراحی و با ۲ جنگ گسترده و طولانی‌مدت در افغانستان و عراق از سوی جرج بوش ایالات‌متحده از قدرت نرم را در سیاست خارجی و امنیتی آمریکا فراهم کرد، جایگاه برتر این کشور در حوزه اقتصاد و رهبری تجارت آزاد بود.

باراک اوباما که به دلیل رنگ پوست خود توانسته بود مورد اقبال جامعه سیاهان آمریکا واقع شود با وجود آنکه در عرصه سیاست خارجی توانسته بود مورد تأیید کشورهای غربی و همسو با کشورش قرار گیرد ولی بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ و تبعات سنگین آن، کارنامه ناموفقی از او برجا گذاشت. از این مهم‌تر فقر و نابرابری بویژه برای آمریکاییان آفریقایی‌تبار به‌مراتب بیشتر شد و سیاه‌پوست‌های زیادی به دست پلیس نژادپرست این کشور به قتل رسیدند که در یکی از آن موارد یعنی «مایکل براون» ۱۸ ساله در شهر فرگوسن ایالت میسوری در سال ۲۰۱۴، به چند ماه اعتراض بی‌نتیجه سیاه‌پوست‌های این کشور انجامید. دو: با این حال اساسی‌ترین ضربه به قدرت نرم آمریکا در عرصه جهانی با انتخاب دونالد ترامپ به ریاست‌جمهوری

گزارش

فاطمه طهماسبی: ایالات‌متحده آمریکا طی ماه‌های اخیر با ۳ بحران داخلی همزمان در حوزه‌های بهداشت و درمان، اقتصادی و اجتماعی روبه‌رو است. این ۳ بحران یعنی گسترش ویروس کرونا، بحران اقتصادی حاصل از گسترش ویروس و از همه مهم‌تر اعتراضات گسترده ضدنژادپرستی در آمریکا آن هم در ماه‌های ناپیی پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری ماه نوامبر آبان، نگاه جهانیان را بر این کشور متمرکز کرده و واکنش کشورهای مختلف را به همراه داشته است.

اتحادیه اروپایی با ادبیاتی که برای کشورهای به زعم خود غیردموکراتیک به کار می‌برد، از قتل «جرج فلوید» سیاه‌پوست توسط پلیس سفیدپوست شهر مینیاپولیس و واکنش پلیس آمریکا اظهار نگرانی کرده و ابراز امیدواری کرد «مسائل مربوط به اعتراضات در آمریکا سریعاً و با احترام کامل به حاکمیت قانون و حقوق بشر حل و فصل شود». همچنین در کشورهای بسیاری مانند انگلیس، آلمان، فرانسه، استرالیا، ژاپن و... تظاهرات ضدنژادپرستی در حمایت از سیاه‌پوستان ایالات‌متحده بر گزار شد.

با توجه به همه این رخدادهای اخیر، سؤال مهمی که به ذهن متبادر می‌شود مسأله آینده‌قدرت نرم آمریکاست که طی دهه‌های گذشته مسیر این کشور برای توسعه فعالیت‌های خود در کشورهای همسو و غیرهمسو را هموار کرده است.

یک: ایالات‌متحده پس از جنگ دوم جهانی مداخله در کشورهای دیگر را آغاز کرد و بهانه این کار کمک به کشورهای اروپایی برای بازسازی‌شان که دچار ویرانی‌های بسیاری شده بودند و همچنین برخی کشورهای دیگر از جمله ایران و ترکیه بود که ذیل دکتربن «ترومن» و از طریق طرح «هارشال» انجام می‌شد. با این اقدامات، روند مداخله آمریکا در مناطق مختلف جهان بسط می‌یافت و ایالات‌متحده با استفاده از واژگان آزادی، دموکراسی و حقوق بشر به توسعه نفوذ خود در این

نگاه

میلاد کیایی: صندوق بین‌المللی پول در این فرآیند، نقش رهبری را به عهده گرفت و بانک جهانی نیز وظیفه پرداخت وام‌های بلندمدت برای تعدیل ساختاری و کمک به خصوصی‌سازی نهادهای دولتی و... را ایفا کرد. متخصصان از این سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول با عنوان «جماع واکنشگتن» یاد کرده‌اند. منظور از اجماع واکنشگتن، اجماع میان ۲ نهاد اصلی «برتون وودز» یعنی صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و همچنین ۲ نهاد دیگر مستقر در واکنشگتن یعنی دولت آمریکا و فدرال رزرو در دهه ۸۰ میلادی بود. این نهادها همکاری نزدیک و جهت‌داری با یکدیگر جهت لیبرالیزاسیون کشورهای در حال

قدرت سخت پیش می‌رود و از راهبردهای قبلی خود که مبتنی بر قدرت نرم و رهبری بین‌المللی است فاصله می‌گیرد. اگر تا چند سال گذشته قدرت نرم آمریکا در سطح بین‌المللی، با جنگ‌ها و مداخله‌های نامطلوب این کشور علیه کشورهای دیگر تضعیف می‌شد، اکنون به دلیل بحران‌های داخلی و اجتماعی این کشور، در حال نزول است و ۳ بحران اخیر حتی روند این افول را سرعت خواهد بخشید.

«هارتین لوترکینگ» رهبر مبارزات ضدنژادپرستی دهه ۱۹۶۰ در آمریکا، در ماجرای حمله شوروی به مجارستان و کشته شدن تعدادی زیادی از مردم این کشور که با محکومیت «دوایت ایزنهاور» رئیس‌جمهور وقت ایالات‌متحده همراه بود، گفته بود: «عجیب است که دولت آمریکا می‌تواند تا این حد نگران مجارها باشد و کوچک‌ترین دغدغه‌ای درباره نگرهار در می‌سی‌سی‌پی، ایلام، جورجیا و کارولینای جنوبی نداشته باشد. تا زمانی که ما در این کشور از خواب بیدار نشویم و تصمیم به انجام اقدامی درباره شرایط آمریکا نگیریم، هرگز قادر به شکست کمونیسم نیستیم.»

پنج: در پایان باید تأکید کرد قدرت نرم ایالات‌متحده را می‌توان به نوعی پاشنه آشیل این کشور دانست که در صورت تضعیف آن، آسیب‌پذیری این کشور افزایش خواهد یافت. در شرایطی که دلیل کاهش این نوع قدرت آمریکا از سوی جناح ترامپ در انتخابات سال جاری، قصور رئیس‌جمهور سابق در کاخ سفید معرفی می‌شود ولی باید تأکید کرد که تضعیف آن چه از سوی رئیس‌جمهوری مانند دونالد ترامپ باشد، چه از سوی یک رئیس‌جمهور دموکرات، تبعاتش تنها متوجه حزب سیاسی حاکم نیست و بتدریج به کلیت حاکمیت ایالات‌متحده و رهبری جهانی این کشور آسیب وارد خواهد کرد؛ این سقوط البته سرنوشت محتوم تمام ظالمان تاریخ است.

* کارشناس و پژوهشگر

صندوق بین‌المللی پول؛ چالش‌ها و فرصت‌های آن برای ایران - قسمت سوم

۱۹۸۳ تا ۱۹۸۸، ما به طرز شرم‌آوری در آمریکای لاتین و آفریقا هرج‌ومرج اقتصادی ایجاد کردیم». منتقدان شیوه حکمرانی در نهادهای برتون وودز بر این باورند که به طور کلی ساختار تصمیم‌گیری در این نهادها، در اختیار و تحت سلطه کشورهای صنعتی است. به سخن دیگر، تصمیمات و سیاست‌های اتخاذشده توسط کشورهای صنعتی یعنی گروه ۸ ادر حال حاضر گروه ۱۷ انجام می‌شود و این امر ریشه در میزان سهام هر یک از این کشورها در نهادهای مذکور دارد. مجموع سهم رأی این کشورهای صنعتی یعنی ایالات‌متحده، بریتانیا، آلمان، ایتالیا، ژاپن، فرانسه و کانادا، در صندوق بین‌المللی پول بیش از ۴۵ درصد

توسعه داشتند. با سلطه طرفداران مکتب شیپاگو بر نهادهای اقتصادی بین‌المللی، صندوق بین‌المللی پول از هدف‌های اولیه خود دور افتاد و نخستین برنامه در طول ۳ دهه بعد هر کشوری که درخواست وامی عمدتاً از صندوق می‌کرد لازم بود اقتصادش را سراسر جرح و تعدیل کند. «دوبوسون بودهو» از اقتصاددانان ارشد صندوق که طراح برنامه تعدیلات آمریکای لاتین بود، بعدها اذعان کرد: «در سال ۱۹۸۳ به بعد هر آنچه کردیم مبتنی بر درک جدیدمان از این مأموریت بود که «کشورهای در حال توسعه باید خصوصی‌سازی شوند یا بمریزند» و برای نیل به این هدف، طی دوره

صندوق بین‌المللی پول در این فرآیند، نقش رهبری را به عهده گرفت و بانک جهانی نیز وظیفه پرداخت وام‌های بلندمدت برای تعدیل ساختاری و کمک به خصوصی‌سازی نهادهای دولتی و... را ایفا کرد. متخصصان از این سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول با عنوان «جماع واکنشگتن» یاد کرده‌اند. منظور از اجماع واکنشگتن، اجماع میان ۲ نهاد اصلی «برتون وودز» یعنی صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و همچنین ۲ نهاد دیگر مستقر در واکنشگتن یعنی دولت آمریکا و فدرال رزرو در دهه ۸۰ میلادی بود. این نهادها همکاری نزدیک و جهت‌داری با یکدیگر جهت لیبرالیزاسیون کشورهای در حال

کرامات فراوانی از حضرت ثبت شده است که نشان از مقام و بزرگی این بانو دارد. چه بسیار بیماری‌ها و مشکلات که با دست با کرامت ایشان حل شده‌است. لذا به ایشان صفت کریمه‌اهل‌بیت علیهم‌السلام نیز خطاب شده است.

علمای شیعه افتخارشان این بود که محضر ایشان کرامت علوم دینی می‌کنند و خود را یزه‌حاضر سفره با کرامت دختر موسی بن جعفر می‌دانستند و هم‌اکنون بزرگ‌ترین مکان انتشار علوم اهل‌بیت علیهم‌السلام و حوزه‌های علمیه در جوار حرم حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها است و ...

ادامه در صفحه ۶